

نوآوری‌های آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درباره حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی

رجب گلدوست جویباری^۱

علیرضا میرکمالی^۲

ژاله قبلی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۲۳

چکیده

حقوق دفاعی متهم از مباحثی است که مربوط به حقوق بشر می‌باشد و ذهن قانون‌گذاران و اجرا کنندگان عدالت را به خود مشغول کرده است. در این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای برآنیم تا نوآوری‌هایی که قانون‌گذار در رابطه با حقوق دفاعی متهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی کرده را بررسی کنیم. قانون‌گذار در این قانون با به کارگیری الگوهای دادرسی عادلانه و با هدف تأمین امکانات برابر برای طرفین دعوی، تحولاتی را در مرحله تحقیقات مقدماتی جهت حفظ حقوق متهم پیش‌بینی کرده است. حقوقی همچون: حق متهم بر تشکیل پرونده شخصیت، حق متهم مبنی بر تماس با خانواده و حقوق دفاعی متهم مانند: حق داشتن وکیل و تفهیم آن، اخذ آخرین دفاع و حق سکوت. در این مقاله این حقوق مورد واکاوی و نقد قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: متهم، حقوق متهم، حقوق دفاعی، حقوق دفاعی متهم، دادرسی منصفانه.

rajabgoldoust@gmail.com

sarmirkamali@yahoo.com

jaleh.ghibli@yahoo.com

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

۱- مقدمه

محاكمه مجرمين راهی برای تأمین امنیت و آسایش عمومی است و این راه باید در پناه عدالت و انصاف باشد و دادرسی که برای محاکمه صورت می‌گیرد به این جهت که عادلانه باشد، باید کلیه حقوق و آزادی‌های متهم را تأمین کند. باید با این دید نگرینست که قبل از این که متهم اتهامی به او نسبت داده شود، شهروند است و از حقوق شهروندی برخوردار است و حال که اتهام جرمی به او نسبت داده شده و به عرصه عدالت کیفری وارد شده است باید حقوق او را محترم شمرد. حقوق متهم از جمله حقوقی است که دولت‌ها می‌بایست برای حفظ آن تلاش کنند تا دادرسی، عادلانه و منصفانه تشکیل شود. رعایت حقوق متهم در نظام عدالت کیفری نشان دهنده اهمیتی است که دولت‌ها به تشکیل دادرسی منصفانه می‌دهند.

انسان دارای کرامت می‌باشد و به جهت انسان بودن و در نتیجه کرامت‌مداری نسبت به او، دارای حقوقی جدایی‌ناپذیر می‌باشد. تعیین حقوق توسط دولت و به کارگیری آن‌ها جزو وظایف دولت‌ها به شمار می‌رود. در این میان شناسایی حقوق متهم و تأمین حقوق و آزادی‌های افراد سبب تضمین حقوق متهم در مراحل دادرسی کیفری می‌شود. برخی حقوق متهم، جزو حقوق طبیعی و ذاتی می‌باشند که رعایت آن در هر کشور به درجه تمدن، میزان پیشرفت و تحقق آرمان‌های انسانی بستگی دارد. به همین جهت دولت‌های مختلف نمی‌توانند حقوق افراد را از آن‌ها سلب کنند، بلکه باید با وضع قوانین و مقرراتی در جهت حفظ حقوق افراد جامعه از حقوق طبیعی و جدایی‌ناپذیر آن‌ها حمایت کنند (محمدنژاد، ۱۳۸۵: ۴۰).

در جریان نظام عدالت کیفری به جهت حفظ و به کارگیری امتیازها و منافع که شخص متهم در اجتماع دارا می‌باشد، متهم در مسیر عدالت کیفری از حقوق و منافع برخوردار می‌باشد و با به کارگیری آن‌ها، حقوق متهم در جریان دادرسی تضمین می‌شود. در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی جمهوری اسلامی هم به حقوق متهم اشاره شده است. بر این اساس با توجه به اهمیت حقوق متهم و تضمیناتی که قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی کرده است؛ این نوشتار در پی بررسی تغییراتی است که قانون‌گذار در جهت تضمین حقوق دفاعی

متهم داشته است. در قسمت اول برخی از حقوق متهم که مقدمه و متضمن حقوق دفاعی متهم و حفظ آن در کلیه مراحل رسیدگی می‌باشد را بررسی کردیم و از آنجائی که حقوق متهم، مقدمه و تضمین کنند. حقوق دفاعی وی می‌باشد در قسمت دوم به حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی پرداخته‌ایم.

۲- حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی

زندگی بشر در طول تاریخ با مشکلاتی مواجه بوده است، حکومت‌ها برای جلوگیری از این درگیری‌ها قوانینی وضع می‌کردند و حقوق و تکالیف افراد را مشخص می‌کردند. به این جهت حاکمان جوامع به منظور اجرای عدالت، قوانینی وضع می‌کردند که کلیه افراد مکلف به رعایت این قوانین و حقوق و آزادی‌های افراد جامعه بودند. آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و قواعدی است که در جهت رعایت نظم در جامعه، اجرای عدالت و حفظ حقوق متهم به جهت تشکیل دادرسی منصفانه و عادلانه می‌باشد. در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی جمهوری اسلامی هم به حقوق متهم اشاره شده است. تضمین حقوق متهم به شکل کامل می‌تواند از تعداد شکایات متعدد و اتهامات بی‌مورد به طور چشمگیری بکاهد (فرخی، ۱۳۸۴، ۹۸). یکی از مسائلی که حقوق فردی و اجتماعی را حمایت می‌کند و تأثیر بسزائی در عدالت قضائی جامعه دارد، حفظ حقوق متهم در برابر اتهاماتی است که به وی نسبت داده شده است. حقوق متهم به معنای حمایت، ارائه راهکار و به کارگیری آن‌ها در برابر شخصی است که ارتکاب جرمی به وی نسبت داده شده است که در نتیجه تضمین آن موجب کاهش اتهامات بیجا می‌شود و مقدمه تضمین حقوق دفاعی متهم می‌باشد. چرا که رسیدن به دادرسی منصفانه و عادلانه مستلزم آن است که طرفین دعوی از حقوق برابر و یکسانی در روند دادرسی برخوردار باشند. در قسمت اول به تضمین رعایت این حقوق از جهت توجه به شخصیت، وضعیت روحی، روانی، خانوادگی و ... متهم و در قسمت دوم به حق متهم در تماس با خانواده در مرحله پیش‌دادرسی و به نوآوری‌های قانون‌گذار در این زمینه پرداخته‌ایم که رعایت این موارد دادرسی عادلانه را تضمین می‌کند.

۱-۲- حق متهم بر تشکیل پرونده شخصیت

یکی از اهداف مجازات‌ها این است که متهم با تحمل مجازاتی که بر او بار شده و سختی‌های آن، احساس ندامت و پشیمانی کند و جنبهٔ ارعاب‌انگیز و بازدارنده پیدا کند تا دیگر مرتکب عمل مجرمانه نشود. برای این‌که کیفر جنبهٔ ارعاب‌انگیز و بازدارندهٔ خود را داشته باشد و مرتکب دیگر به سراغ جرم نرود باید عواملی که باعث شده فرد به سمت جرم برود را شناخت. به عبارت دیگر برای اتخاذ مجازات متناسب با جرم و کیفر معقول و منصفانه به جهت اصلاح و درمان مجرم بر اساس وضعیت بزهکار، مطالعه شخصیت مجرمین از جهت روانی، جسمی، محیطی، خانوادگی که در هر فرد متفاوت است امری ضروری است (شاملو و کوزلی، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

تشکیل پرونده شخصیت برای بزهکار، مقدمهٔ یک دادرسی عادلانهٔ کیفری می‌باشد. زیرا بر اساس شخصیت مجرمین از نظر روحی، روانی، جسمی، خانوادگی، مجازات متناسب با جرم تعیین می‌کنند. پرونده شخصیت در واقع در تمام مراحل دادرسی، چه تحقیقات مقدماتی در دادسرا و چه صدور حکم در دادگاه با حقوق دفاعی متهم و اصل آزادی و حقوق فردی در ارتباط است (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۲). پروندهٔ شخصیت در مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی باعث می‌شود تا قاضی بهترین قرار را صادر کند و در مرحله صدور حکم، منجر به صدور حکم متناسب می‌شود. هدف از پرونده شخصیت شناخت مجرم به منظور انتخاب کیفر متناسب با جرم می‌باشد. پروندهٔ شخصیت جزو شاخهٔ جرم‌شناسی بالینی و ریشه در اصل تناسب جرم با مجازات دارد.

در پروندهٔ شخصیت بررسی جرم و جوانب آن مدنظر نیست، بلکه شخصیت مجرم از جوانب مختلف روحی، روانی، فیزیکی، محیطی، پیرامون او مورد بررسی قرار می‌گیرد. این امر گامی در جهت اصل فردی کردن مجازات و رعایت انصاف و عدالت در دادرسی که به آن عدالت ترمیمی می‌گویند و تضمین یک دادرسی منصفانه می‌باشد (محمدیان و پوربابک، ۱۳۹۲: ۳۳۲). لازمهٔ تشکیل پرونده شخصیت و شناسایی شخصیت مجرم، شناخت حالت خطرناک او و ویژگی‌های آن می‌باشد. (آشوری و عظیم‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۰۴). حالت خطرناک، حالت روانی مزمن است که دو رکن دارد: ظرفیت، استعداد جنایی و درجهٔ سازگاری با جامعه است. ظرفیت جنایی به معنای

میزان توانایی مجرم در ارتکاب جرم می‌باشد. درجه سازگاری فرد با جامعه در افراد مختلف متفاوت است و به معنای آن است که فرد پس از آنکه مرتکب جرم شد و مرحله مجازات را گذراند می‌تواند خود را با جامعه سازگار کند. (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۲۱۵). در پرونده شخصیت، شناسایی کامل متهم از جنبه‌های مختلف و انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم مدنظر است و باید از جنبه‌های مختلف بررسی شود و مراحل مختلف معاینه و مشاهده، تشخیص و تجویز راهکار را طی کند. نیازمند است اشخاص متخصص در این زمینه گزارش تهیه کنند (سلیمانی‌سالم، ۱۳۵۳: ۹۸). تشکیل پرونده شخصیت ابتدا در مورد اطفال اجرا شد و پس از به دست آوردن نتایج مثبت وارد حقوق جزا شد و به قوانین اکثر کشورها راه پیدا کرد و تغییراتی را در نظام کیفری بسیاری کشورها به وجود آورد (سلامی، ۱۳۶۲: ۱۲۹). در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ فقط در مورد اطفال تشکیل پرونده شخصیت اجباری بود و در مورد بزرگسالان این امر به طور صریح پیش‌بینی نشده بود، اما در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۰۳، بازپرس در کنار پرونده کیفری، دستور تشکیل پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی را می‌دهد. آن هم در جرائم خاصی؛ در جرایمی که مجازات آن‌ها، سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد یا تعزیر درجه چهار و بالاتر، در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی (در این جرایم باید میزان دیه ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش‌تر از آن باشد) و همچنین در مورد اطفال و نوجوانان علاوه بر موارد وارد در ماده ۲۰۳ در جرایم تعزیری درجه پنج و شش تشکیل پرونده شخصیت الزامی است. پرونده شخصیت توسط مددکار اجتماعی در واحد مددکاری اجتماعی تشکیل می‌گردد و حاوی مطالب زیر است:

الف- گزارش مددکار اجتماعی در رابطه با وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم
ب- گزارش پزشکی و روانپزشکی

همانطور که گفته شد پرونده شخصیت برای تحقق اصل تناسب جرم با مجازات و به جهت تخفیف در مجازات مرتکبین که امری اختیاری است تشکیل می‌گردد. اختیاری بودن از نظر برخی حقوق‌دانان اشتباه است. زیرا در عمل برخی قضات از اعمال تخفیف امتناع می‌ورزند و امتناع از تخفیف به دلایل مختلف صورت می‌

گیرد از جمله این که بعد از صدور حکم و اعمال تخفیف حرف و حدیثی پیش نیاید (جویباری، ۱۳۹۳: ۱۲۷). در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی^۱ موارد تخفیف و تبدیل و معافیت از مجازات بیان شده است.

۲-۲. حق متهم بر تماس با خانواده

به صرف این که متهم وارد دادرسی شد و اتهام جرمی به وی نسبت داده شد، نباید از سوی قانون‌گذار محدودیت‌های قانونی برای او قائل شد. زیرا او در معرض اتهام است و جرمی علیه او ثابت نشده است و از حمایت‌های قانونی به عنوان شهروند برخوردار است (آفنداک، ۱۳۸۶: ۱۴).

متهم باید زیر چتر حمایت قانون‌گذار از حقوق خود بهره‌مند شود و یکی از این حقوق آن است که متهم بتواند به خانواده خود اطلاع دهد. در واقع حقوق دفاعی متهم ایجاب می‌کند که متهم خانواده خود را از دستگیری خود مطلع کند تا با کمک آن‌ها بتواند از حقوق دفاعی خود و تسهیلات لازم همچون وکیل، استفاده از مترجم رایگان و غیره بهره‌جوید (بیرانوند و کوشا و هاشمی و رنجبر، ۱۳۸۹: ۲۳۷). این موضوع مقدمه استفاده از حقوق دفاعی متهم است. حق متهم مبنی بر تماس خانواده یا آشنایان در راستای تضمین حقوق متهم و رعایت حقوق شهروندی می‌باشد. در واقع حقوق متهم ایجاب می‌کند، زمانی که متهم دستگیر شد با خانواده خود بتواند تماس بگیرد تا با کمک آن‌ها از حقوق دفاعی خود بهره‌برد. همچنین پاسخگویی به خانواده متهم در صورتی که مشکلی از نظر حیثیت و آبرو برای وی ایجاد نکند می‌تواند انجام شود. شخص متهم می‌تواند تحت نظر بودن خود را به اطلاع خانواده و آشنایان برساند و ضابطان وظیفه دارند که در این مورد به متهم کمک کنند. این امر

۱. ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند

مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک تا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر.»

یک استثنا دارد و آن این است، در صورتی که بنا بر ضرورت تشخیص دهند که نباید از چنین حقی استفاده کند. به نظر می‌رسد ضرورت زمانی است که بیم فرار یا تبانی یا مخفی کردن آلات و ادوات جرم برود. ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ ضابطین را مکلف کرده تا همکاری لازم را در جهت تماس متهم با خانواده خود فراهم آورند. این ماده در رابطه با افرادی است که جلب شده‌اند. همچنین در ماده ۵ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد: خانواده دستگیرشدگان در جریان بازداشت متهمین قرار گیرند.

تجربه نشان داده است که وکلای مدافع به جهت حمایت از موکل خود و راضی نگه داشتن او، از قاضی تحقیق درخواست ملاقات حضوری متهم با خانواده‌اش را می‌کنند و این ملاقات‌ها اگر در مراحل اولیه تحقیقات مقدماتی باشد موجب مشکلات بسیاری برای دستگاه قضایی و کارآگاهان برای کشف حقیقت و مسائل دیگر می‌شود. مسائلی از قبیل: فراری دادن، تبانی با همدستان، از بین رفتن آثار جرم، جابجایی مخفی کردن اموال مسروقه و غیره (طلائی، ۱۳۸۸: ۵۸).

۳- مصادیق حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی

حقوق دانان تعاریف مختلفی از حقوق دفاعی متهم ارائه کرده‌اند. در یک تعریف آمده است: حق دفاع عبارت است از به کارگیری کلیه وسائل و طرق قانونی جهت حفظ حقوق متهم در مقابل اتهام و دعوی کیفری (گلدوزیان، ۱۳۷۱: ۴۰). متهم در این حالت از نظر دسترسی به تسهیلات و امکانات در مقامی برابر با دادستان که او را متهم به ارتکاب جرمی کرده قرار می‌گیرد. به تعبیری دیگر، حقوق دفاعی متهم یعنی آزادی متهم در دادگاه در استفاده از امکاناتی قانونی برای احقاق حقوق خود. این حقوق عبارت است از: حق انتخاب وکیل و تفهیم آن، اخذ آخرین دفاع، حق سکوت،

۱. «شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه به ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند».

و غیره. مبانی حقوق دفاعی متهم مبتنی بر اصل برائت است به این معنا که مجریان عدالت کیفری می‌بایست از دید بی‌گناهی به متهم نگاه کنند و مجرمیت و ارتکاب جرم او را ثابت کنند.

۱-۳- حق داشتن وکیل و تفهیم آن

یکی از معیارها و اصول شکلی دادرسی عادلانه داشتن وکیل توسط متهم است که در سال‌های اخیر در اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی و بین‌المللی به آن اشاره شده است و هدف از آن ایجاد تساوی تسهیلات و امکانات برابر و ایجاد دادرسی منصفانه و عادلانه برای متهم است، زیرا همه افراد آشنا به حقوق خود نیستند و ممکن است متهم از حقوق خود آگاهی نداشته باشد یا این‌که الفاظی به کار برود که به جای این‌که به نفع او باشد به ضرر او تمام شود و حقوق او پایمال شود و نداند که اقرار، انکار و حتی سکوت او در سرنوشت او مؤثر، و آثار حقوقی دارد. پس لازم است مراجع قضائی امکانات لازم را برای انتخاب وکیل برای اشخاص فراهم کنند تا حقی پایمال شود. داشتن وکیل مدافع و استفاده از معاضدت‌های قضایی، به عنوان یک حق اساسی در قوانین و اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. به طوری که کمیته منع شکنجه سازمان ملل متحد، حضور وکیل مدافع را به عنوان هدفی اساسی در کاهش شکنجه اعلام کرده است (مظاهری، ۱۳۸۵: ۵۶). این حق از جمله حقوق بنیادی متهم می‌باشد به نحوی که در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌الملل حقوق مدنی سیاسی، ماده ۷ اصول اساسی راجع به نقش وکلا، بند ۳ از پاراگراف ۳ از ماده ۶ کنوانسیون اروپائی حقوق بشر، ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به این حق اشاره شده است (پورقهرمانی، ۱۳۹۳: ۱۲۱۴).

حق داشتن وکیل توسط متهم که یکی از مصادیق حقوق دفاعی متهم است همچون دیگر اقسام حقوق دفاعی متهم، ریشه در اصل برائت دارد و این حق باید در تمام مراحل دادرسی از جمله: پیش دادرسی، دادرسی و پس‌ادداری رعایت شود. زیرا متضمن دادرسی عادلانه است تا جایی که اگر متهم نتواند برای خود وکیل انتخاب کند دستگاه قضایی مکلف است برای او این حق را فراهم کند، زیرا فرد توانایی مالی و انتخاب وکیل را نداشته است در این صورت منصفانه نیست که بدون حضور وکیل

رسیدگی صورت گیرد. همچنین در مورد برخی جرائم قانون‌گذار حساسیت بیش‌تری در خصوص انتخاب وکیل نشان داده و بیان کرده در برخی جرائم حضور وکیل الزامی است.

در گذشته حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی چه در ایران و چه در کشورهای دیگر مورد تردید بود اما امروزه این حق در بسیاری کشورها از جمله ایران پذیرفته شده است. متهم حق داشتن وکیل را در سه مرحله تحت نظر، تحقیقات مقدماتی و رسیدگی دارد.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای اولین بار در ماده ۴۸^۱ به حضور وکیل در مرحله تحت نظر اشاره کرده است که از نوآوری‌های قانون جدید در زمینه حقوق دفاعی متهم می‌باشد. لازم به ذکر است که این موضوع، محدودیت‌هایی را به همراه دارد: نخست این که ملاقات نباید بیش از یک ساعت طول بکشد. پرسش قابل طرح آن است که آیا یک ساعت ملاقات باید در جلسات متعدد، یک ساعت شود یعنی در مجموع جلسات یک ساعت باشد یا هر جلسه یک ساعت می‌تواند باشد؟ به نظر می‌رسد با توجه به ذکر نکردن این موضوع و کلیت ماده، در هر جلسه یک ساعت می‌تواند ملاقات کند.

دوم متهم باید با وکیل ملاقات کند. سوال دیگری که می‌توان طرح کرد آن است که آیا حضور وکیل بدون مداخله در امر بازجوئی می‌باشد یا آنکه حق دفاع و مداخله را دارد؟ در ماده تنها حق ملاقات ساده را پیش‌بینی کرده، اما برخی معتقدند این حضور محدود به ذکر نکات کتبی است نه دفاع از متهم در بازجوئی (خالقی، ۱۳۹۳: ۶۰). این برداشت درست به نظر نمی‌رسد، زیرا با توجه به ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی که مقرر داشته تمام اقدامات ضابطان در تحقیقات باید مطابق ترتیباتی باشد که در تحقیقات مقدماتی است و از آنجا که وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی حق تذکر به بازپرس را دارد، می‌توان گفت مقصود حضوری ساده نبوده و می‌تواند همچون وکیل

۱. «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد».

در تحقیقات مقدماتی به ضابطان تذکر دهد (افسری و امیری پاک، ۱۳۹۴: ۹). سوم متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند، اجباری در حضور وکیل نیست، چهارمین مورد که در رابطه با محدودیت در تبصره ماده ۴۸ قبل از اصلاحیه بود، این که مرتکب برخی جرائم در ملاقات با وکیل محدودیت زمانی دارد و استثنایی بر حضور وکیل در مرحله تحت نظر محسوب می‌شد. اما در طرح اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری این تبصره حذف و تبصره دیگری جایگزین آن شد. اصلاحیه تبصره به این صورت آمده است که: «طرفین دعوی در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، وکلای خود را از بین وکلایی که مورد تأیید رییس قوه قضاییه باشند، انتخاب نمایند». ضمن انتقاداتی که از سوی حقوق دانان به این تبصره شد که با حقوق دفاعی متهم منافات دارد و حقوق متهم را تضییع می‌کند. به نظر می‌رسد این اصل تا حدودی مخالف با اصل ۳۵ قانون اساسی می‌باشد. چراکه در قانون اساسی طرفین دعوی حق دارند وکیل انتخاب کنند و محدودیتی در انتخاب وکیل در اصل ۳۵ وجود ندارد و افراد در انتخاب وکیل آزاد هستند. با توجه به این تبصره متهم باید وکیل یا وکلایی را انتخاب کند که رییس قوه قضاییه اسامی آن‌ها را اعلام می‌کند. وکلایی که مورد تأیید رییس قوه قضاییه هستند در این نوع پرونده‌ها دخالت می‌کنند. مطابق این تبصره متهم در همه موارد می‌تواند وکیل داشته باشد، اما در مورد جرائم امنیتی داخلی و خارجی و جرائم سازمان یافته‌ای که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد باید از میان وکلایی باشد که رییس قوه قضاییه تأیید می‌کند. قانون‌گذار به مسائل امنیتی حساسیت بیش‌تری نشان داده است.

ماده ۱۲۸ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ هم به حق داشتن وکیل اشاره کرده بود. به نظر می‌رسد حق داشتن وکیل در این ماده ناظر به تحقیقات مقدماتی بود و قانون‌گذار سخنی از مرحله تحت نظر نیاورده بود. به نظر می‌رسد تبصره ماده ۱۲۸ آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ تمام مرحله تحقیقات مقدماتی را شامل می‌شد یعنی متهم از داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی محروم می‌شد و موجب تضییع حقوق وی می‌شد. به نظر می‌رسد در کلیه موارد در آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ حضور وکیل

بستگی به اجازه و تشخیص قاضی داشت و تشخیص و اجازه قاضی برای حضور وکیل بستگی به محرمانه بودن موضوع و فسادانگیز آن بودن آن داشت و همچنین در جرائم علیه امنیت، وکیل را از حضور در تحقیقات منع می‌کرد (سیدآقایی، ۱۳۹۱: ۱۶۴). قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ حضور وکیل را در جریان تحقیقات پذیرفته بود، ولی در جریان بازجویی و تحت نظر بودن متهم سکوت اختیار کرده بود. بنابراین وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی می‌توانست حضور پیدا کند ولی سکوت اختیار می‌کرد و پس از خاتمه تحقیقات دلایل و ادله خود را برای دفاع از متهم ارائه می‌نمود.

قانون‌گذار در ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای نخستین بار داشتن وکیل در «مرحله تحقیقات مقدماتی» را مطرح کرده است. وکیل متهم می‌تواند دلایل و مطالبی که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم لازم بداند ارائه کند، به این معنا که در جریان تحقیقات، وکیل می‌تواند از متهم دفاع کند در حالی که در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ وکیل نمی‌توانست در امر تحقیق مداخله کند، فقط پس از خاتمه تحقیقات برای دفاع از متهم می‌توانست دلایل و مطالب را ارائه کند. در ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار فقط داشتن یک وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی مجاز دانسته و تعدد وکلا را نپذیرفته است. در صورتی که در مرحله دادرسی این چنین نیست. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حق داشتن وکیل در مرحله بازجویی و تحت نظر منتفی بود و داشتن این حق بستگی به نظر قاضی داشت.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ هیچ ماده‌ای مبنی بر اعلام یا تفهیم داشتن وکیل توسط متهم از سوی بازپرس یا ضابطین وجود نداشت. فقط بند ۳ ماده ۴۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها در آن به تفهیم حقوق متهمان به صورت ماهانه توسط ضابطین اشاره شده است. تبصره ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از دیگر نوآوری‌های این قانون در جهت حفظ حقوق متهم و ضمانت اجرای عدم حق داشتن وکیل و عدم تفهیم می‌باشد که مقرر می‌دارد: «سلب حق همراه داشتن

وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه و هشت می‌شود. این حق باید پیش از شروع به تحقیق توسط بازپرس به متهم اعلام شود». در واقع علاوه بر این که نقش وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته شده است، اعلام و تفهیم آن هم برای بازپرس تکلیف قانونی محسوب می‌شود. لازم است این حق در احضاریه قید شود و در صورتی که متهم بدون ارسال احضاریه یا در صورت جلب حضور یافته باشد، باید این حق حضوراً به وی تفهیم شود. در صورتی که متهم حضور پیدا کرد، در احضاریه این حق چه اشاره شده باشد چه نشده باشد، حق مزبور به طور حضوری به وی تفهیم می‌شود و عدم تفهیم آن ضمانت اجرای سنگینی دارد (خالقی، پیشین: ۱۵۴). بازپرس نمی‌تواند به بهانه‌های مختلف از تفهیم این حق به متهم خودداری کند، به طور مثال نمی‌تواند به صرف این که متهم حقوقدان است و در رشته حقوق تحصیل کرده است، این حق را به وی تفهیم نکند. لازم به ذکر است قبل از اصلاحیه، ضمانت اجرای عدم تفهیم این حق به متهم بی اعتباری تحقیقات بود. در واقع بی اعتباری کل تحقیقات، از زمان شروع آن بود. در مورد تفهیم این حق به متهم در جایی دیگر هم اشاره شده است. در ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر داشته است به محض تحت نظر قرار گرفتن متهم لازم است ضابطان حقوق متهم را به صورت کتبی به متهم تحویل دهند. از آنجایی که حق داشتن وکیل و تفهیم آن یکی از حقوق متهم است لازم است این حق به صورت مکتوب به وی اعلام شود.

از آنجا که طبق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری متهم به محض تحت نظر قرار گرفتن می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند که دستاوردی قابل ستایش و به نفع متهم است، اما سؤالاتی مطرح می‌شود که لازم است قانون‌گذار از بعد قانونی و اجرائی مورد بازنگری قرار دهد و نواقص آن را رفع کند. یکی از سؤالات این است که آیا به صرف مطلع کردن متهم توسط ضابط، می‌تواند شروع به تحقیقات کند یا باید منتظر حضور وکیل بماند؟ (باقری‌نسب، ۱۳۹۳: ۸)

سؤالی که در این قسمت مطرح می‌شود آن است که در صورتی که جرم ارتكابی مربوط به تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری باشد، آیا تفهیم حق داشتن وکیل

توسط بازپرس صورت می‌گیرد؟ در پاسخ باید گفت با توجه به آیین دادرسی کیفری افتراقی به معنای برخورد متفاوت با جرائم متفاوت به لحاظ اهمیتی که جرائم دارند می‌باشند، لذا در تبصره ماده ۴۸ ضمن سخت‌گیری که قانون‌گذار در رابطه با جرائم علیه امنیت داشته است، به نظر می‌رسد آنچه مورد تصریح مقنن است، انتخاب وکیل باید به تأیید رئیس قوه قضائیه برسد که این امر به دلیل اهمیت این جرائم است و منحصر به همین موضوع است و نافی تفهیم حق داشتن وکیل نمی‌باشد (یوسفی، ۱۳۹۴: ۶۵). در پایان باید گفت تفهیم حق داشتن وکیل از نوآوری‌های قانون‌گذار در قانون جدید است که این موضوع به نفع متهم بوده و در روند رسیدگی به پرونده و حقوق شهروندی نقش مهمی دارد.

در بند ۳ ماده مذکور احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید بیان شده است: محاکم و دادرها فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای طرفین دعوی فراهم کنند. از این بند چنین برمی‌آید که حق استفاده از وکیل در تمام مراحل دادرسی مجاز است اما در واقع در عمل این‌گونه نبود و شامل مرحله تحت نظر متهم نمی‌شد و تنها شامل مراحل تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در محاکم می‌شد.

نقش وکیل در دفاع از متهم آن چنان اهمیت دارد که اگر متهم تمکن مالی به انتخاب وکیل نداشته باشد و یا قدرت انتخاب نداشته باشد، نظام عدالت کیفری در جرائمی اقدام به انتخاب وکیل برای او می‌کند. این امر آن چنان واجد اهمیت است که در اسناد بین‌المللی به آن اشاره شده است، از جمله در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که به وکیل تسخیری اشاره کرده‌اند. علت حضور وکیل مدافع در پرونده‌هایی که حضور وکیل تسخیری الزامی است به دلیل دفاع از حقوق متهمان بوده است (منصوریان، ۱۳۸۷: ۲۰).

قانون‌گذار برای اولین بار به تعیین وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی اشاره کرده است. تا پیش از این وکیل تسخیری اختصاص به مرحله دادرسی داشت؛ که این نوآوری در قانون جدید از تضمینات حقوق دفاعی متهم می‌باشد. اگر متهم

وکیل انتخاب نکند و بازپرس هم از این کار امتناع ورزد، تخلف انتظامی محسوب می‌شود.

از دیگر نوآوری‌های قانون جدید این است که متهم در جریان تحقیقات مقدماتی می‌تواند از محتویات پرونده آگاهی داشته و آن را مطالعه کند که موجب تضمین حقوق دفاعی متهم می‌شود، زیرا زمانی که متهم از پرونده‌ای که در جریان تحقیق است آگاهی داشته باشد، بهتر می‌تواند از خود دفاع کند. در فرانسه فقط وکیل متهم حق دسترسی به پرونده دارد، البته که این حق هم برای شاکی و وکیلش محفوظ است؛ چراکه در غیر این صورت خلاف موازین حقوقی است که شاکی را که متضرر از جرم است از این حق ممنوع کرد (داداش‌پور و مبارکی، ۱۳۹۲: ۱۱۴۸). این حق استثنایی هم دارد و آن این است که اگر بازپرس تشخیص دهد که از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد و این که با ضرورت کشف حقیقت منافات داشته باشد و یا جرائم منافی عفت باشد، بازپرس قرار عدم دسترسی به پرونده را صادر می‌کند.

۲-۳- حق سکوت

حق سکوت همچون دیگر مصادیق حقوق دفاعی متهم ریشه در اصل برائت دارد. حق سکوت به اصل بی‌گناهی متهم، منع شکنجه و آزار برای گرفتن اقرار، عدم الزام متهم به پاسخ به سؤالات، عدم ثبت سکوت به معنای مجرمیت، آزادی متهم و عدم تجاوز به حریم خصوصی برمی‌گردد. زمانی که پرونده‌ای وارد دادرسی می‌شود مقام قضایی موظف به ارائه دلیل است ولی متهم الزامی به ارائه ندارد و ممکن است در این امر سکوت اختیار کند، ولی دادستان نباید این سکوت او را به ضرر او تمام کند، زیرا متهم به دلایل مختلفی سخن نمی‌گوید و سکوت می‌کند. به طور مثال ممکن است به دلیل ترس یا فشارهای روحی روانی و در نتیجه شوک عصبی که به او وارد شده قادر به سخن گفتن نباشد. بر این اساس دادستان نباید سکوت متهم را دلیلی برای جرم بداند. متهم این حق را دارد که در مقابل سؤالی که ضابطین و مقام قضایی از او می‌پرسند سکوت کند و مقام قضایی نمی‌تواند او را ملزم به پاسخگویی کند یا این که سکوت او را به ضرر او تمام کند، بلکه متهم می‌تواند سکوت کند؛ چرا که

حق سکوت از ابزارهای تأمین حقوق متهم و آزادی‌های شهروندی می‌باشد (یک‌رنگی، ۱۳۸۶: ۲۶۷).

به نظر می‌رسد میان شخصی که مطلبی را که به ضرر خود اوست بیان نمی‌کند و سکوت می‌کند و شخصی که مطلبی به ضرر دیگری را بیان نمی‌کند و سکوت می‌کند تفاوت است، در واقع کسی که در مقام شاهد یا مطلع و متهم قرار دارد متفاوت است. در مورد اول موضوع حق سکوت است، اما در مورد شاهد یا مطلع این‌گونه نیست. در واقع حق سکوت، عدم الزام فرد به گفتن مطلبی به ضرر خود است نه این‌که نگفتن مطالبی به ضرر دیگران تا در نهایت حقی پایمال شود (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۸۸).

زمانی که متهم سکوت می‌کند و مقام قضایی و یا ضابطین او را مجبور به سخن گفتن نمی‌کنند و یا برای گرفتن اقرار از او شکنجه یا آزار و یا اجبار به اقرار نمی‌کنند، این‌ها دلیلی بر حفظ حریم خصوصی متهم و عدم تجاوز و ورود به حریم خصوصی او می‌باشد. در قانون اساسی در اصل ۳۸ به صورت ضمنی حق سکوت را بیان کرده است. این اصل به منع شکنجه برای گرفتن اقرار و اجبار شخص به اقرار یا شهادت اشاره کرده و اگر اقرار با اجبار و اکراه باشد فاقد ارزش است. همچنین نمی‌توان سکوت متهم را دلیلی بر مجرمیت او گذاشت که در این صورت خلاف اصل حق سکوت متهم می‌باشد. بنابراین در قانون اساسی در اصول بسیاری به حق دفاع متهم اشاره داشته است اما این حق سکوت متهم را به طور صریح اشاره نکرده است؛ اما قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این حق را به طور صریح بیان کرده است و قانون‌گذار خلا تقنینی عدم بیان صریح حق سکوت را که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و قوانین دیگر وجود نداشت برطرف کرده است. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری برای نخستین بار در ماده ۱۹۷^۱ به طور صریح به حق سکوت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی اشاره کرده است. با توجه به این ماده حق سکوت به صورت صریح تنها در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش‌بینی شده است؛ اما در قانون اساسی این حق در تحقیقات مقدماتی پیش‌بینی نشده است. در ماده ۱۲۹

۱. ماده ۱۲۷ آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضاء اظهارات در صورت مجلس قید می‌شود.»

آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ حق سکوت به صورت ضمنی پیش‌بینی شده بود و عبارت «حق سکوت» در آن نیامده بود. قانون‌گذار در این قانون به حق سکوت به طور صریح اشاره‌ای نکرده بود و از اعلام و تفهیم آن به متهم سخنی به میان نیاورده بود. عدم پیش‌بینی صریح مبنی بر این‌که مقام قضایی در مرحله تحقیق، تعقیب و محاکمه حق سکوت متهم را اعلام نماید، یک خلا تقنینی محسوب می‌شود، چرا که حق سکوت جزو حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود و به جهت بهبود حقوق دفاعی متهم پیش‌بینی اعلام حق سکوت توسط مقام قضایی به وسیله قانون‌گذار در قانون ضروری به نظر می‌رسد (صالحی، ۱۳۸۸: ۸۳). با توجه به ماده ۵ و ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم باید در فرایند دادرسی کیفری از حقوق خود آگاه باشد، که حق سکوت یکی از حقوق او محسوب می‌شود. در ماده ۵۲ اشاره می‌کند، از زمانی که متهم تحت نظر قرار گرفت ضابطین مکلفند حقوق متهم را به او تفهیم کنند و به صورت مکتوب به متهم تحویل دهند و رسید آن را دریافت کنند.

در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا سکوت برای متهم حق است یا تکلیف؟ در پاسخ به این سوال باید گفت رعایت حق سکوت متهم به جهت حفظ حقوق دفاعی وی از سوی ضابطین لازم است محترم شمرده شود و همچنین ضابطان تکلیفی ندارد قبل از بازجویی، حق سکوت به متهم را اعلام و تفهیم کند، زیرا سکوت متهم مانع پیشرفت تحقیقات می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت حق سکوت متهم است (صالحی و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۸۰).

اما، حق سکوت متهم آیا از نظر حقوق اسلام جائز است یا این‌که اشکال دارد؟ در جرائم حق‌الله اعلام حق سکوت به متهم رویه‌ای در جهت حفظ حقوق متهم در اسلام محسوب می‌شود که اشکالی بر آن وارد نیست، همچنین مطلوب نیز می‌باشد. زیرا در جرائم حق‌الله بنای شارع مقدس بر پوشیده ماندن جرم ارتكابی است، بر این

۱. ماده ۶ مقرر می‌دارد: «متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود». ماده ۵ اشعار می‌دارد: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

اساس سکوت متهم را نمی‌توان دلیل جرم دانست؛ اما در جرائم حق الناس دو نگرش وجود دارد: نگرش اول قائل به اجبار فرد به دادن پاسخ از طریق حبس هستند و تازمان پاسخگوئی در حبس می‌ماند و یا ایراد ضرب می‌باشند. در نگرش دوم هم بدون اجبار مدعی علیه به پاسخگوئی با رد سوگند به مدعی تکلیف پرونده مشخص می‌شود که اگر مدعی بر خواسته خود سوگند یاد کند رای به نفع وی صادر می‌شود، در غیر این صورت به ضرر وی صادر می‌شود. از آنجائی که نظر اول با انتقاداتی روبه رو است و آن هم از دلایل محکمی برخوردار نمی‌باشد و پاسخ به این ایراد هم به این صورت است که مدعی سه حق دارد: سوگند بخورد یا آن را به مدعی برگرداند یا حق بر ذمه وی وارد شود که در غیر این موارد محکوم می‌شود و مجالی برای پاسخ دادن نمی‌ماند. به نظر می‌رسد. نظر دوم از مبانی تقنینی بهره می‌جوید (حاجی‌ده‌آبادی و اکرمی سراب، ۱۳۸۹: ۵۷).

۳-۳- اخذ آخرین دفاع

آخرین دفاع در واقع آخرین مرحله در دادسرا و دادگاه برای متهم به جهت دفاع از خود است تا دفاعیات خود را مطرح کند. متهم چه در پایان تحقیقات و چه در پایان دادرسی، قبل از اعلام ختم تحقیقات و دادرسی، آخرین دفاعیات خود را مطرح می‌کند. آخرین دفاع دلائلی است که متهم بر پایه اصل برائت برای تبرئه شدن، تخفیف یا تعلیق ارائه می‌کند.

فلسفه اخذ آخرین دفاع این است که برای تأمین بیش تر حقوق دفاعی متهم به او یادآور می‌شود که دلائل ابراز او کافی نبوده و به او فرصت داده می‌شود تا اگر دلائل جدیدی دارد بیان کند؛ در اسناد بین‌المللی هم اشاره صریحی به این حق نشده است (صالحی و سخنور، ۱۳۸۹: ۳۵).

آخرین دفاع در دادسرا با آخرین دفاعی که متهم در جلسه دادرسی از خود می‌کند متفاوت است. در اخذ آخرین دفاع، متهم آخرین دلائل خود را ارائه و آخرین دفاعیات خود را مطرح می‌کند آخرین دفاع متوجه کسی است که جرمی به او نسبت داده شده و تفهیم اتهام نسبت به او صورت گرفته است. اخذ آخرین دفاع از مصادیق حقوق دفاعی متهم می‌باشد و چنان اهمیت دارد که اگر در مرحله تحقیقات اخذ نشود می

بایست با تشکیل جلسه. متهم را احضار کنند و مبادرت به اخذ آخرین دفاع کنند و در صورت عدم اخذ آخرین دفاع، تحقیقات نقض و بی اعتبار می‌شود. لازم است مرجع رسیدگی کننده برای اخذ آخرین دفاع، جرمی را که متهم در مظان ارتکاب آن قرار گرفته است و نظر به محکومیت یا مجرمیت متهم دارد به وی تفهیم کند و دلایل مربوط به جرم را ارائه و تفهیم کند چرا که برای دفاع از خود لازم است بداند چه اتهامی به او نسبت داده شده است (شاگری و نرمانی‌کناری، ۱۳۹۲: ۱۹).

پرسشی که در این جا مطرح می‌شود اینست که اخذ آخرین دفاع حق است یا تکلیف؟ از آنجا که وظیفه مراجع قضایی کشف جرم، تعقیب مجرمین، به مجازات رساندن مجرم و به دست آوردن حقوق شاکی و در نتیجه حفظ نظم و امنیت اجتماعی است؛ بنابراین اخذ آخرین دفاع تکلیف است، اخذ آخرین دفاع به جهت حفظ حقوق دفاعی متهم و آگاه شدن از اتهامی که به وی منتسب است و ارائه فرصت جهت بیان اظهارات حق متهم است. پس در نتیجه اخذ آخرین دفاع برای مراجع قضایی تکلیف و برای متهم حق می‌باشد (گلدوست‌جویباری و عبداللهی، ۱۳۸۸: ۲۶۳).

اخذ آخرین دفاع و به تبع آن به دست آوردن دلایل جدید، حق متهم بی گناه است. فرض بی گناهی متهم در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی، بند ۱ و ۲ قانون احترام به آزادی‌های مشروع، حکایت از این دارد که اخذ آخرین دفاع به جهت تضمین حقوق متهم و به عنوان یکی از نتایج آثار اصل برائت الزامی است (احمد زاده، ۱۳۸۹: ۳۱).

یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۶۲، پیش‌بینی اخذ آخرین دفاع در پایان تحقیقات مقدماتی است. از صدر ماده چنین بر می‌آید که باید عمل ارتكابی جرم باشد تا بازپرس اخذ آخرین دفاع نماید، در صورتی که عمل ارتكابی جرم نباشد، نیاز به اخذ آخرین دفاع نیست و نکته دیگر در این ماده آن است که اخذ آخرین دفاع برای بازپرس تکلیف است و اجباری است. پس از پایان اخذ آخرین دفاع، نباید تحقیقی در رابطه با جرم صورت گیرد. به عبارتی اخذ آخرین دفاع، آخرین مرحله است؛ اما اگر متهم موضوعی را مطرح کرد که نیاز به تحقیق بیشتر داشته باشد، در صورتی که بازپرس ضروری تشخیص دهد تحقیقات مقدماتی را می‌دهد و

در پایان تحقیقات، متهم مجدداً برای اخذ آخرین دفاع احضار می‌شود (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۵۹). ضمانت اجرای عدم توجه به این موضوع، ماده ۵۹۷ قانون تعزیرات با موضوع امتناع از انجام وظیفه قانونی، دفعه اول به شش ماه تا یکسال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت با تادیه خسارات وارده محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۳^۱ به اتخاذ تصمیم در صورت عدم حضور متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع اشاره دارد. از ظاهر ماده ۲۶۳ چنین بر می‌آید که اخذ آخرین دفاع برای متهم حق است زیرا قانون‌گذار بیان کرده اگر متهم احضار شود و حضور نیابد، بدون آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود.

در ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ اخذ آخرین دفاع در مرحله تحقیقات مقدماتی ذکر نشده بود، اما در مرحله دادرسی چنین بیان شده بود که پس از پایان مذاکرات متهم یا وکیل، می‌تواند دفاعیات خود را به عنوان آخرین دفاع مطرح کنند. از این ماده چنین بر می‌آید که وکیل می‌تواند در مرحله دادرسی آخرین دفاع را مطرح کند و دادگاه ملزم به اخذ آخرین دفاع است. ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب آخرین دفاع را در مرحله تحقیقات مقدماتی، بیان کرد. بر اساس این ماده چون دادیار یا دادستان وظیفه انجام تحقیقات را دارند، همین مقامات می‌بایست آخرین دفاع را اخذ کنند، و ضمانت اجرایی برای عدم اخذ آخرین دفاع پیش‌بینی نشده بود، اما در مرحله تحقیقات مقدماتی به علت محدودیت‌هایی که برای وکیل وجود دارد به نظر می‌رسد متهم باید دفاعیات را مطرح کند.

۴- نتیجه‌گیری

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ خلا و ابهامات قانونی بسیاری در برخی موارد در رابطه با تضمین حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی وجود داشت؛ اما این خلا و ابهامات در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با

۱. ماده ۲۶۳: «در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شود و هیچیک از آنان بدون اعلام عذر موجه، حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع تصمیم می‌شود.»

ایجاد تغییراتی در رابطه با تضمین حقوق دفاعی متهم، برطرف شده است. با توجه به حساسیت قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با وجود برخی اشکالات و ایرادات، از جنبه‌های مثبت بسیاری در رعایت حقوق شهروندی، حقوق دفاعی متهم، تضمین دادرسی عادلانه برخوردار می‌باشد و این امر گامی مؤثر در تضمین حقوق شهروندی می‌باشد.

از جمله می‌توان به حق داشتن وکیل در مرحله بازجوئی و تحقیقات مقدماتی اشاره کرد که از معیارهای دادرسی منصفانه می‌باشد. با توجه به این حق، وکیل مدافع می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی با ارائه دلایل و مستندات از متهم دفاع کند. یکی دیگر از تغییرات جدید قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با تضمین حقوق دفاعی متهم، حق سکوت در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باشد که ریشه در اصل برائت دارد و به منع شکنجه برای گرفتن اقرار برمی‌گردد.

از مصادیق دیگری که متضمن حقوق دفاعی متهم می‌باشد می‌توان به اخذ آخرین دفاع در پایان مرحله تحقیقات مقدماتی اشاره کرد که در آخرین مرحله از دادرسی می‌باشد و لازم است متهم آخرین دفاعیات خود را بر پایه اصل برائت بیان کند. اخذ آخرین دفاع برای مراجع قضائی تکلیف است و ضمانت اجرای عدم اعمال آن بی اعتباری تحقیقات است. قانون‌گذار در ماده ۲۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شوند و هیچ یک از آنان بدون اعلام عذر موجه حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع اتخاذ تصمیم می‌شود؛ اما منظور خود را از «حضور نیابد» مشخص نکرده است. اگر متهم یا وکیل حضور نیابند و رسیدگی ادامه و اتخاذ تصمیم شود که این امر مخالف با حقوق دفاعی متهم است. همچنین متهمان در بسیاری موارد از حقوق خود همچون اخذ آخرین دفاع اطلاع ندارند. به نظر می‌رسد اگر قانون‌گذار بیان می‌کرد: در صورتی که متهم حضور نیابد او را جلب کنند سپس اتخاذ تصمیم کنند، بهتر به حال متهم باشد.

همچنین می‌توان به ضمانت اجرای عدم تفهیم حق داشتن وکیل و سلب حق داشتن وکیل اشاره کرد که موجب محکومیت انتظامی می‌گردد. در واقع حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و همچنین عدم تفهیم این حق به متهم به رسمیت

شناخته شده است. البته رعایت حق سکوت متهم در برخی موارد، بازپرس و ضابطین را با چالش‌هایی مواجه می‌کند، زیرا در بسیاری جرائم زمانی که ادله‌ای قوی و یا شاهدی وجود نداشته باشد تنها اقرار متهم به کشف جرم و آشکار شدن حقیقت کمک می‌کند. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به صراحت این حق و اعلام و تفهیم آن را پیش‌بینی کرده است. لذا در این موارد لازم است که پلیس و دست‌اندرکاران عدالت کیفری با جمع‌آوری ادله و اطلاعات و مدارک به کشف جرم پی ببرند. پس لازم است تجهیزات کشف علمی جرائم را فراهم کنند و روش‌های مختلف کشف علمی جرایم را به کار گیرند چرا که زمانی که متهم اقرار نکند تنها راه چاره برای کشف جرم استفاده از کشف علمی جرائم می‌باشد.

نکته آخر این که تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مخالف با اصل ۳۵ قانون اساسی است؛ به عبارتی این تبصره نظر خبرگان قانون اساسی را نادیده گرفته است. زیرا در قانون اساسی افراد حق دارند آزادانه وکیل انتخاب کنند؛ اما مطابق این تبصره متهم می‌تواند تنها وکیلی را انتخاب کند که مورد تأیید رییس قوه قضاییه است. بنابراین لازم است قانون‌گذار تجدید نظری در این تبصره داشته باشد تا متهمین بتوانند آزادانه هر وکیلی را که بخواهند انتخاب کنند.

منابع

- ۱- آشوری، محمد، عظیم‌زاده، شادی، (۱۳۹۲)، جایگاه پرونده شخصیت در فرآیند پیشگیری از پایدارشدن بزهکاری جوانان، مجله حقوق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، دوره ۴۳، شماره ۱، ص ۱۹۵-۲۱۳.
- ۲- آفنداک، خلیل، (۱۳۸۶)، شهروندی و حقوق قضایی، مجله کانون وکلای دادگستری، تهران، دوره جدید، شماره ۵، ص ۲-۲۸.
- ۳- احمدزاده، محمد، (۱۳۸۹)، اخذ آخرین دفاع از متهم از منظر قانون، الزامی و از مقام قضائی تکلیف است، مجله دادنامه، شماره ۶، ص ۳۱-۴۸.

- ۴- افسری، مجید، امیری‌پاک، فاطمه، (۱۳۹۴)، بررسی حقوق متهم تحت نظر از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.
- ۵- باقری‌نسب، تکتتم، (۱۳۹۳)، حق متهم در برخورداری از وکیل بر اساس نوآوری‌های قانون آیین دادرسی جدید، همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.
- ۶- بیرانوند، رضا، کوشا، جعفر، هاشمی، حمید، رنجبر، بهرام، (۱۳۸۹)، وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان، فصلنامه دانش انتظامی، دانشگاه آزاد واحد مراغه، دوره ۱۲، شماره ۴۸، ص ۲۰۳-۲۴۴.
- ۷- پورقهرمانی، بابک، (۱۳۹۳)، حقوق منظوران، متهمان و بزه‌دیدگان در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مراغه، دانشگاه آزاد واحد مراغه.
- ۸- حاجی‌ده‌آبادی، احمد، اکرمی‌سراب، روح‌الله، (۱۳۸۹)، مبانی فقهی حق سکوت متهم در دعاوی جزایی، مجله حقوق اسلامی، قم، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۳۵-۶۲.
- ۹- حسینی، سیدرضا، (۱۳۹۲)، جایگاه پرونده شخصیت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و لایحه آیین دادرسی کیفری، مجله دادرسی، تهران، دوره ۱۷، شماره ۱۰۱، ص ۲۲-۲۹.
- ۱۰- خالقی، علی، (۱۳۹۳)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چاپ دوم.
- ۱۱- داداش‌پور، کریم، مبارکی، علی، (۱۳۹۲)، تقویت حقوق متهم در مرحله دستگیری و تحت نظر با حفظ حقوق شهروندی، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد.
- ۱۲- رحمدل، منصور، (۱۳۸۵)، حق سکوت، مجله حقوقی دادگستری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، دوره ۷۰، شماره ۵۶-۵۷، ص ۱۸۵-۲۱۸.

- ۱۳- سلامی، بهروز، (۱۳۶۲)، پرونده شخصیت، رساله حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۴- سلیمانی‌سالم، ایرج، (۱۳۵۳)، لزوم تشکیل پرونده شخصیت برای بزهاران، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۵- شاکری، ابوالحسن، نریمانی‌کناری، یاسر، (۱۳۹۲)، اخذ آخرین دفاع از متهم در حقوق ایران، مجله مطالعات حقوقی، دانشگاه شیراز، دوره ۵، شماره ۹، ص ۱۰۶-۱۳۵.
- ۱۶- شاملو، باقر، کوزلی، مهدی، (۱۳۹۰)، پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه رضوی، دوره جدید، شماره ۲، ص ۸۹-۱۱۸.
- ۱۷- صالحی، جواد، ابراهیمی، یوسف، (۱۳۸۶)، بررسی جایگاه حق سکوت متهم در نظام حقوقی ایران، مجله عدالت آرا، تهران، شماره ۸، ص ۱۷۴-۱۹۲.
- ۱۸- صالحی، جواد، سخنور، محمدرضا، (۱۳۸۹)، مولفه‌های حق بیان متهم در قوانین داخلی و اسناد بین‌الملل، مجله دادنامه، تهران، شماره ۶، ص ۳۲-۳۵.
- ۱۹- طلائی، احمد، (۱۳۸۸)، چالش‌های پلیسی رعایت حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۰- فرخی، حمیدرضا، (۱۳۸۴)، حقوق کیفری و پدیده شاکیان حرفه‌ای، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۲۱- گلدوست‌جویباری، رجب، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- ۲۲- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۷۱)، حق دفاع در مراجع قضایی، نشریه دانشکده

- علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، فصل اول، دوره ۱، شماره ۳، ص ۲۱۴-۲۵۶.
- ۲۳- گلدوست جویباری، رجب، عبداللهی، افشین، (۱۳۸۸)، اخذ آخرین دفاع از متهم در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱۲، شماره ۵۰، ص ۱۱۰-۱۳۷.
- ۲۴- مظاهری، امیرمسعود، (۱۳۸۵)، مفهوم مداخله وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی، مجله حقوقی دادگستری، تهران، دوره ۷۰، شماره ۵۶-۵۷، ص ۲۴۱-۲۵۲.
- ۲۵- محمدنژاد، پرویز، (۱۳۸۵)، حقوق متهم در مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی در نظام کیفری ایران، مجله اصلاح و تربیت، تهران، دوره ۵، شماره ۵۰، ص ۴۰-۴۸.
- ۲۶- محمدیان، سارا، پوربابک، محمدرضا، (۱۳۹۲)، لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی کیفری ایران، مجله پزشکی قانونی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات آذربایجان غربی، دوره ۱۹، شماره ۲، ص ۳۲۱-۳۳۰.
- ۲۷- منصوریان، علی، (۱۳۸۷)، حضور تشریفاتی وکیل تسخیری یا حضور حاضر وی، مجله دادرسی، دوره ۱۲، شماره ۷۰، ص ۲۰-۲۲.
- ۲۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۸۹-۹۰)، تقریرات درس جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۹- یکرنگی، محمد، (۱۳۸۶)، حق متهم در سیستم عدالت کیفری نوین، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، تهران، انتشارات حوزه ریاست قوه قضاییه.
- ۳۰- یوسفی، ایمان، آیین دادرسی کیفری، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، جلد دوم، ۱۳۹۴.